

ادامه از صفحه اول

«سلامت روان» در خطر

ب- عوامل خطر: آگاهی داشتن از عواملی که فرد را در برابر یک اختلال مشخص آسیب‌پذیر می‌کند؛ مثلاً آگاهی از اینکه قوت یکی از والدین در کودکی، آسیب‌پذیری به افسردگی را بالا می‌برد. ج- دلایل اختلالات روان‌شناختی: اختلال روان‌شناختی ترکیبی از عوامل مختلف زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی است. آگاهی کلی فرد از این موضوع و تلاش برای فهمیدن دلایل یک اختلال مشخص، دال بر سواد سلامت روان اوست. د- خودیاری: خودیاری به این معناست که در مواجهه با موارد خفیف تا متوسط، فرد بتواند بدون مراجعه به متخصص، با مطالعه کتاب‌های مفید یا سایت‌های معتبر بر مشکل خود غلبه‌ یافته یا آن را کاهش دهد. البته درصدی از خوددرمانی‌ها کاملاً بی‌تاثیر بوده و حتی ممکن است مضر نیز باشند؛ مثلاً برخی از افراد بعد از ابتلا به افسردگی، برای رفع آن به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند که این وضعیت می‌تواند اختلال جدیدی را رقم بزند. ه- دریافت کمک از متخصصان: آگاهی از اینکه برای رفع یک بیماری یا اختلال روان‌شناختی می‌توان از چه متخصص یا مرکز تخصصی مدد گرفت. (۳)
نگرش: نگرش به دو جزء تقسیم می‌شود؛ یکی نگرش به اختلالات روان‌شناختی یا به فردی است که یک اختلال را دارد. این نگرش که ابتدا به اختلال روان‌شناختی دال بر ضعف اراده است، خودآگاهی و تلاش برای درمان اختلالات را در بسیاری از فرهنگ‌ها دشوار می‌کند. دیگری نگرش به دریافت درمان‌های تخصصی است. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز ذهنیت مرسوم به درمان‌های روان‌پزشکی چندان مثبت نیست. جالب است که در کشور ما، روانکاوِ معروف‌ترین شیوه روان‌درمانی است؛ حال‌آنکه آشنایی با درمان‌های شناختی-رفتاری، طرح‌واره درمانی، ذهن‌آگاهی و… بسیار اندک است. ضمن اینکه تعداد روانکاوان در مقایسه با سایر متخصصان روان‌درمانی، به‌مراتب کمتر است. در زمینه وضعیت سواد سلامت روان در کشور، تحقیقاتی ملی صورت نگرفته است؛ با این وجود، می‌توان وضعیت سواد سلامت روان را با سیاست‌گذاری‌های مدون و اجرای روش‌های مبتنی بر شواهد ارتقا داد.

برخی از مهم‌ترین این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱- کارزارهای اجتماعی: به کمک کمپین‌های اجتماعی می‌توان حساسیت جامعه نسبت به اختلالات روان‌شناختی را افزایش داد. تمرکز بر اختلالی مشخص و ارائه اطلاعاتی که عموم می‌توانند از آن استفاده کنند، روشی است که در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. برای نمونه می‌توان به کمپین اطلاع‌رسانی درباره افسردگی اشاره کرد که سال گذشته وزارت بهداشت همراه با روز جهانی سلامت روان در سراسر کشور اجرا کرد. در بسیاری از کشورها، این دست فعالیت‌ها با عمدتاً سازمان‌های غیردولتی انجام می‌دهند.
۲- دانش‌افزایی در محیط‌های آموزشی: بهترین دوره برای ارتقای سواد سلامت روان، دوره آموزش عمومی است که در آن می‌توان بسیاری از اختلالات روان‌شناختی رایج را به دانش‌آموزان آموزش داد. علاوه بر آن، با آموزش‌های مدون می‌توان روش‌هایی را به آنان آموزش داد که از پس موقعیت‌هایی استرس‌ساز و ناخوشایند معمول زندگی برآمده و از درگیرشدن خود با اختلالات روان‌شناختی پیشگیری کنند. درحال‌حاضر در کتاب‌های درسی مقاطع مختلف، مطالب چندانی درزمینه‌های اشاره‌شده وجود ندارد. باین‌وجود در فضاهای دانشگاهی به علت وجود مراکز مشاوره فعال، وضعیت به‌مراتب بهتر است. ضمن اینکه به‌نظر می‌رسد خدمات سلامت روان ارائه‌شده به دانشجویان دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم جامع‌تر است.

۳- برنامه‌های آموزش فردی: مهم‌ترین مسواری که لازم است در آموزش‌های فردی مدنظر قرار گیرد، آموزش کمک‌های اولیه سلامت روان است. به این معنی‌که به عموم مردم آموزش داده می‌شود برای کمک به فرد دارای اختلال روان‌شناختی، می‌توانند چه کارهایی انجام دهند تا از وخیم‌ترشدن آن جلوگیری کنند. مثلاً دانستن اینکه در مواجهه با بیماران اسکیزوفرنی چگونه باید رفتار کرد، به آموزش کمک‌های اولیه سلامت روان مربوط می‌شود. لازم به ذکر است که خط مشاوره تلفنی ۱۴۸۰ وابسته به سازمان بهزیستی تنها بخش دولتی است که سال‌هاست به شکل رایگان جوابگوی انواع سوالات در زمینه اختلالات روان‌شناختی است.

۴- سایت و کتاب: اطلاعات چندانی در دسترس نیست که در کشور ما مردم تا چه حد برای افزایش سواد سلامت روان خود به سایت‌های موجود مراجعه می‌کنند ولی با وجود اندک‌بودن سایت‌های معتبر، سایت‌های فعالی وجود دارند که مطالب علمی و مفیدی را ارائه می‌کنند. ضمن اینکه در حوزه کتاب نیز کم نیستند ناشرانی که کتاب‌های ارزشمندی را برای ارتقای سواد سلامت روان گروه‌های سنی مختلف آماده کرده‌اند. امروز اولین روز از هفته جهانی سلامت روان است که به جوانان اختصاص یافته است.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

اما با کارتشان، در سیستان و بلوچستان، هرمزگان و دیگر استان‌ها سوخت‌گیری می‌شود. حالا باید دید در تصمیم دولت برای سرنوشت نرخ سوخت که قاچاق آن براساس اظهارنظرهای متفاوت بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون لیتر در روز را نشان می‌دهد، نظارت بر مصرف سوخت در اولویت قرار می‌گیرد یا راه‌حل رادیکال افزایش نرخ بنزین.

سه‌میه‌بندی در گذشته: ترمز ۱۲ میلیون لیتری سوخت را کشید

یک منبع آگاه در وزارت نفت در گفت‌وگو با «شرق» از سناریوهای احتمالی برای کنترل قاچاق، این‌گونه می‌گوید: با توجه به حجم گسترده قاچاق سوخت در کشور با درنظرگرفتن حاشیه سود بسیار بالایی که از ناحیه تفاوت قیمت سوخت در داخل و بیرون از کشور برای قاچاقچیان پدید آمده، ضرورت ایجاد می‌کند که دولت سیستمی را در نظر بگیرد که طبق آن، مدیریت بر عرضه و مصرف سوخت بیشتر شود. به گفته او، وزارت نفت به‌عنوان اجراکننده تصمیم دولت در زمینه سوخت مطرح است و خود نمی‌تواند برنامه مشخصی ارائه دهد، اما بررسی کارشناسی پیشنهاد سهمیه‌بندی مصرف سوخ با استفاده از کارت سوخت که از سوی وزیر کشور مطرح شده، در وزارت نفت انجام خواهد شد. این مقام آگاه با اشاره به اینکه سناریوهای مختلفی برای افزایش قیمت سوخت طرح می‌شود، ادامه داد: یکی از این سناریوها، درنظرگرفتن یک نرخ مشخص برای حجم مشخصی از سوخت است که در کنار آن، با افزایش هرچه بیشتر استفاده از سوخت، افزایش قیمت نیز بر آن اعمال شود. این ارقام بین هزارو ۵۰۰ تا چهار هزار تومان مطرح شده است.

او با بیان اینکه احتمال احیای کارت هوشمند در کنار تعدیل قیمت سوخت بیش از سایر سناریوهاست، می‌افزاید: برای اجرای هر طرحی برای کنترل قاچاق، موارد دیگری نیز مطرح است که باید از سوی دولت در نظر گرفته شود. مواردی مانند سرنوشت دِک‌های آسیب‌پذیر، احتمال افزایش قیمت در بخش خدمات شهری و حمل‌ونقل و آمادگی روانی مردم برای پذیرش هرگونه تغییری از آن جمله است که باید با دید باز درباره آنها تصمیم‌گیری شود. این کارشناس ادامه می‌دهد: برخی از کارشناسان نیز بر این باورند که نظام

اقتصاد

سه‌میه‌بندی سناریوی جدی دولت



دونرخ سوخت نیز می‌تواند کارایی داشته باشد. فرض ما به‌التفاوت قیمت پایه با سایر سطوح مصرف در نظر گرفته شود تا به این طریق، حلقه نهایی عرضه از طریق کارت هوشمند سوخت کنترل شود که به این ترتیب، عرضه‌ای خارج از چرخه رسمی توزیع سوخت انجام نشود.

ترمز قاچاق با کارت سوخت کشیده شد

او با اشاره به موفق‌بودن طرح نظام سهمیه‌بندی در کشور می‌افزاید: تجربه استفاده از کارت سوخت در سال ۸۶ نشان می‌دهد مصرف بالای ۷۰ میلیون لیتر در روز، بعد از اعمال سهمیه‌بندی و توزیع از طریق کارت هوشمند، ترمز ۱۲ میلیون لیتری گرفت؛ درواقع مصرف کاهش یافت. (بخوانید قاچاق) به گفته این مقام آگاه، با توجه به اینکه اکنون تولید بنزین در پالایشگاه‌ها، مناسب است، قطعاً در فاز اول اجرا، سهمیه‌بندی سوخت چندان آزادرننده نخواهد بود. حال اگر کسی بیش از سرانه نرمال، مصرف داشته باشد می‌توان به‌صورت پلکانی، افزایش قیمت را برای آن در نظر گرفت و درعین حال، از محل افزایش درآمد‌های حاصل از فروش سوخت، حمایت از دهک‌های آسیب‌پذیر، هدفمندی یارانه در تولید، توسعه راه‌ها و زیرساخت‌ها، بهبود حمل‌ونقل و… را در نظر گرفت.

حاشیه سود ۱۲ برابری قیمت سوخت در مرز

جواد نوفرستی، کارشناس انرژی، نیز در بررسی چگونگی کنترل قاچاق سوخت به «شرق» می‌گوید: واقعیت آن است که حجم قاچاق به‌شدت افزایش یافته، هرچند عدد آن قابل اثبات نیست، اما قاچاق بنزین با حداقل روند رشد، ۱۰ میلیون لیتر در روز

نوبل اقتصادی به دنبال نجات زمین

علم اقتصاد دانست. جاستین ولفرز، دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد و استاد داشگاه میشیگان معتقد است که ترکیب رومر و نوردهاوس بامعنی است، زیرا هر دو به تناقضات سرمایه‌داری و موارد شکست بازار پرداخته‌اند؛ چراکه اگر بازارها به حال خود رها می‌شدند، آلودگی بسیار و اندیشه جدید کمتری را تولید می‌کردند. جایزه اسمال مقداری خوش‌بینی هم با خود دارد. نوا اسمیت، اقتصاددان و ستون‌نویس بلومبرگ می‌نویسد ترکیب رومر و نوردهاوس باعث نجات زمین می‌شود، زیرا کارهای نوردهاوس متضمن این نکته است که ملاحظات محیط‌زیستی و رشد پایدار مستلزم رشد فناوری مانند تبدیل منابع عظیم (آب شور) به منابع کمپاب (آب شیرین)

به هزارو ۵۰۰ تومان در لیتر برساند، مخالف جدی بودم، زیرا این افزایش قیمت به‌صلاح نبود و کمکی هم به کاهش قاچاق نمی‌کرد. وقتی سه سال بنزین گران نشود و به‌یک‌باره گران شود، جامعه کشش آن را نخواهد داشت. به‌علاوه آنکه در آن زمان، هنوز بحران اقتصادی کنونی اتفاق نیفتاده بود. حتی با فرض اینکه قیمت بنزین دوبرابر یا سه‌برابر شود (باز هم با نرخ واقعی دلار تفاوت فاحش دارد) که در شرایط کنونی محال است، هیچ کمکی نه به کاهش مصرف و نه به کاهش قاچاق خواهد کرد، زیرا همچنان قاچاق بنزین سودآور خواهد بود، اما توری که ایجاد می‌کند، کمر خانوار را خواهد شکست و دولت و مجلس چنین تصمیم اشتباهی نمی‌گیرند. او با اشاره به تجربه موفق کارت سوخت می‌گوید: شرایط برای احیای کارت سوخت فراهم است، اما پیشنهاد آن است که فقط بر فروش سوخت در جایگاه‌ها تاکید نداشته باشیم و از نقطه شروع (واردات، تولید و گمرک) تا مراکز توزیع در جایگاه‌ها، نیز سوخت را کنترل کنیم.

ایجاد کارت انرژی

این کارشناس انرژی با تاکید بر اینکه یکی دیگر از راهکارها که به نظر می‌رسد دولت به آن نیز می‌اندیشد، برقراری کارت انرژی است، توضیح می‌دهد: بستر ایجاد کارت انرژی فراهم شده است. با توجه به ۹۰ میلیون لیتر بنزینی که در روز از سوی کمتر از ۵۰ درصد مردم استفاده می‌شود، نوعی بارانه از جیب بیت‌المال به عده خاصی می‌رسد. با برقراری این سیستم، خودرو سهمیه سوخت نمی‌گیرد و هر ایرانی سهمیه سوخت خواهد گرفت. آن‌موقع بنزین آزاد و شناور می‌شود و هر ایرانی یک لیتر سهمیه می‌گیرد که در سال حدود ۳۶۵ میلیون لیتر می‌شود. درواقع کسی که از این بنزین استفاده نمی‌کند، ارزش ریالی آن را در جیب خود خواهد داشت.

دولت و مجلس

ریسک افزایش قیمت بنزین را نمی‌پذیرند

او در یک پایان‌بندی می‌گوید: تا زمانی که بنزین از بیت‌المال یارانه می‌گیرد و قیمت آن تا لب مرز، فاصله چشمگیری دارد که انگیزه برای قاچاق آن ایجاد می‌شود، هیچ راهکاری جز راهکار کارت سوخت وجود ندارد، زیرا افزایش قیمت سوخت، توری ایجاد می‌کند که قطعاً نه دولت و نه مجلس ریسک آن را نخواهند پذیرفت، زیرا بسیار پرخطر است.

یادداشت

وما ادراک ما المجوز؟ (قسمت اول)

علی فیروزی

● اصولاً صدور مجوز یکی از ابزارهای قوی هر حکومتی برای کنترل و مدیریت بهینه جامعه به حساب می‌آید. در بسیاری از کشورهای دنیا حتی برای برداشتن یک تیغه آجری یا تغییر ساختار داخلی یک آپارتمان یا حتی رنگ‌آمیزی داخل آن نیز باید مجوزهای لازم دریافت شود. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و حاکمیت برای مدیریت کشور از ابزار مجوز بهره می‌برد. تا سال ۱۳۹۲ اطلاع دقیقی درخصوص مجوزهای کشور و مراجع صادرکننده آن در دست نبود. با تشکیل هیئت مقررات‌زایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار، مشخص شد که حدود دو هزارو ۸۰ عنوان مجوز با تولی‌گری حدود ۵۰ مرجع صادرکننده در کشور وجود دارد. هرچند که به‌دتر حدود ۵۰۰ عنوان مجوز از این تعداد، در راستای بهبود محیط کسب‌وکار حذف یا در دیگر مجوزها ادغام شدند و مجوزهای رسمی کشور به هزارو ۵۷۲ عنوان مجوز رسید. باین‌حال آنچه در این میان حائز اهمیت است تعداد مجوزها به‌تنهایی نیست، بلکه میزان سهولت دریافت یک مجوز است؛ به‌نوعی‌که کمترین موانع برای مردم در دریافت مجوزها لحاظ شود. به‌عبارتی بهترین نظام مجوزدهی، مجموعه‌ای است که بدون آتکه متقاضی را درگیر خود و نظام بوروکراتیک خود کند، مجوزهای لازم برای ایجاد و توسعه کسب‌وکارها را فراهم آورد.

همچنین باید در نظر داشت تکثر و تنوع مجوزها در یک جامعه، نمی‌تواند دلیلی بر ناکارآمدی نظام مجوزدهی آن و لختی و کرختی محیط کسب‌وکار آن جامعه محسوب شود. فقط کافی است این مثال را در نظر بگیرد که در جامعه‌ای فقط ۱۰ عنوان مجوز صادر می‌شود که هرکدام از مجوزها یک سال زمان برای صدورشان لازم است و در جامعه‌ای دیگر ۱۰ هزار مجوز صادر می‌شود، ولی هر مجوزی در کمتر از ۱۰ دقیقه صادر می‌شود. قطعاً جامعه دوم، با وجود مجوزهای بیشتر و به‌تبع آن تنوع بالای دسته‌بندی مجوزها، دارای نظام مجوزدهی چابک‌تری است و فضای کسب‌وکار در آن باید رونق بیشتری داشته باشد.

یکی از مقامات سابق گمرک ج.ا.ی در جلسه‌ای نقل می‌کردند وقتی برای ملاقات با همتای خود در یکی از کشورهای اروپایی به آن کشور سفر کرده بودند متوجه می‌شدند که هیچ بازرسی گمرکی به معنای آنچه در ایران مرسوم است وجود ندارد. موضوع را که با مقامات آن کشور مطرح می‌کنند به ایشان می‌گویند که اکنون شما و بار همراهتان بیش از ۲۰ بار در نقاط مختلف، بازرسی نامحسوس شده‌اید فقط خودتان در جریان نیستید! چیزی شبیه این موضوع در مجوزدهی رسمی و متکثر نیز در کشورهای پیشرو قابل تصور است. امروزه در سوئیس درخواست مجوز شما در کمتر از ۹۰ ثانیه با توجه به غنا و یکپارچگی اطلاعاتی و با بررسی‌های چندانکه و پرشمار اطلاعات شما و دریافت برخط استعلامات مربوط به درخواستتان پاسخ داده می‌شود. یعنی شما طرف یک دقیقه‌و نیم متوجه خواهید شد که آیا مجوز به شما تعلق می‌گیرد یا خیر و در همین ۹۰ ثانیه تعداد زیادی استعلام برای درخواست شما تبادل می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت آمارگرایی و تعداد مجوزهای یک کشور به تنهایی شاخص مناسبی برای تعیین بهنگی نظام مجوزدهی آن کشور محسوب نمی‌شود. اینکه با شنیدن اعداد متفاوتی از تعداد عناوین مجوزهای کشور حالت تأسف به ما دست بدهد و فقط سعی در کاهش این تعداد با انواع و اقسام ترفندها مانند ادغام مجوزها در یکدیگر، حذف آنها حتی به‌صورت صوری و… کنیم، تجربه‌ای نه‌چندان دلچسب در چندسال گذشته است که نه‌تنها بر بهبود محیط کسب‌وکار که در بهبود نظام مجوزدهی کشور نیز اثر مثبتی نداشته است.

بر اساس تجارب جهانی مطالعه‌شده، کنترل و مدیریت نظام مجوزدهی فقط با شاخص‌های دقیق کمی مانند هزینه صدور مجوز، تعداد مدارک مورد نیاز برای صدور، تعداد استعلامات لازم، مدت‌زمان صدور یک مجوز و دریافت پاسخ استعلامات آن و شناخت دقیق فرایندهای صدور یک مجوز امکان‌پذیر است. در کنار آن اطلاع‌رسانی شفاف، هوشمند و بی‌واسطه در این حوزه به مردم است که می‌تواند در یک بستر یکپارچه قابل رصد توسط عموم، سقلمه و تلنگری به نظام لخت مجوزدهی کشور بزند. نتیجه اینکه مجوز چیز بدی نیست و اتفاقاً می‌تواند ابزاری دقیق برای مدیریت جامعه و محیط کسب‌وکار باشد، اما چرا در ایران داشتن یک مجوز، امتیاز قابل‌توجهی محسوب می‌شود؟ و چرا وقتی اسم مجوز می‌آید، آنها که به دنبال یک کسب‌وکار کوچک یا متوسط هستند تب می‌کنند و آنها که بر برج عاج کسب‌وکارهای بزرگ نشسته‌اند کنش‌ان هم نمی‌گزد؟ پاسخ این چراها و چراهای دیگر را در یادداشت بعدی می‌توانید ملاحظه کنید.

ایده برآوردهای پیشین درخصوص رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را با بازنگری منفی همراه کرده است. بر این اساس منطقه شمال آفریقا به‌جای رشد ۳.۲ درصدی سال جاری که ماه آوریل پیش‌بینی آن مطرح شده بود، طبق برآورد جدید تنها دو درصد و در سال آینده میلادی به‌جای رشد ۳.۶ درصدی تنها ۲.۵ درصد رشد خواهد داشت. در گزارش صندوق بین‌المللی پول آمده است: «این پیش‌بینی‌های مثبتی‌بر کاهش تا حد زیادی متأثر از وخامت چشم‌انداز رشد برای اقتصاد ایران است که با بازگشت تحریم‌های آمریکا بر ضد تهران به وجود آمده است».

تحریم ایران

رشد اقتصادی عربستان را افزایش داد

در این گزارش به صراحت پیش‌بینی شده است که اقتصاد ایران در آینده به‌شدت از تبعات تحریم رنج خواهد برد، درحالی‌که عربستان سعودی به واسطه افزایش تولید نفت رشد اقتصادی را تجربه خواهد کرد. در این گزارش با اشاره به اقتصاد رو به رشد عربستان، از این کشور به‌عنوان قدرت اول اقتصادی منطقه نام برده شده است. به اعتقاد کارشناسان صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد عربستان سعودی که سال گذشته با افت ۰.۹ درصدی مواجه شده بود، در سال ۲۰۱۸ رشد ۲.۹ درصدی و سال آینده میلادی رشد ۲.۴ درصدی را تجربه خواهد کرد که این میزان ۰.۵ درصد بیش از آن چیزی است که در این کشور به‌عنوان قدرت اول به اعتقاد کارشناسان صندوق بین‌المللی پول، نسبت پس‌انداز خانوارها به تولید ناخالص داخلی در این سه سال به‌ترتیب معادل ۳۹.۴۱۴، ۴۰.۴۵۳ و ۳۸.۷۳۸ درصد خواهد بود. طبق این گزارش، نرخ تورم ایران در این سه سال نیز به‌تدریج کاهش خواهد شد و از ۳۴.۱۱۹ درصد در سال ۲۰۱۹، به ۲۴.۲۰۲ درصد در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. جمعیت ایران نیز تا پایان سال ۲۰۲۰ به ۸۴.۱۴۹ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، تبعات منفی کاهش صادرات نفت ایران، بخش انرژی و اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا را نیز تحت‌تاثیر قرار خواهد داد. صندوق بین‌المللی پول با طرح این